

بررسی رابطه برآورده شدن نیازهای اساسی روان‌شناختی و رضایت از زندگی: نقش واسطه‌ای انگیزش پیشرفت و سرمایه‌های روان‌شناختی

رضا پورحسین^۱، سحر احسانی^۲، نرگس انسانی مهر^۳، رضا نبی زاده^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۱۴

تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۳/۱۰

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط نیازهای اساسی روان‌شناختی با رضایت از زندگی هم‌چنین نقش واسطه‌ای انگیزش پیشرفت و سرمایه‌های روان‌شناختی انجام شد. روش مورد استفاده در این پژوهش همبستگی از نوع تحلیل مسیر بود. برای انجام این پژوهش ۲۰۱ نفر از دانشجویان دختر و پسر (۱۱۰ دختر و ۹۱ پسر) دانشگاه تهران با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های نیازهای اساسی روان‌شناختی گانیه، رضایت از زندگی دینر، انگیزش پیشرفت هرمنس، سرمایه‌های روان‌شناختی لوتانز پاسخ دادند. تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار R انجام شد. نتایج نشان داد مدل این پژوهش از برازش مناسبی برخوردار است. بنابر یافته‌های این پژوهش رابطه نیازهای اساسی روان‌شناختی و رضایت از زندگی مثبت و معنادار ارزیابی شد. علاوه بر این تأثیر مستقیم، نیازهای اساسی روان‌شناختی و رضایت از زندگی از طریق متغیرهای واسطه‌ای انگیزش پیشرفت و سرمایه‌های روان‌شناختی نیز با هم ارتباط غیرمستقیمی دارند. در پایان می‌توانیم بر اهمیت نقش مثبت این عوامل در روند زندگی صحنه گذاشت.

واژگان کلیدی: نیازهای اساسی روان‌شناختی، رضایت از زندگی، انگیزش پیشرفت، سرمایه روان‌شناختی، دانشجویان.

۱. دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه تهران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه تهران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) mehr.narges@ut.ac.ir

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه تهران

مقدمه

در تاریخچه روانشناسی به‌وفور به اختلالات روانی مختلف و مسائل منفی زندگی انسان پرداخته شده است. پس از اینکه سلیگمن روانشناسی مثبت را بنا نهاد مفاهیم جدیدی در حوزه رفتار و بهداشت روانی انسان مورد مطالعه قرار گرفت. یکی از شاخص‌های بهداشت روانی میزان رضایت از زندگی است. مراد از رضایت از زندگی، نگرش فرد، ارزیابی عمومی نسبت به کلیت زندگی خود و یا برخی از جنبه‌های زندگی، مانند زندگی خانوادگی و تجربه آموزشی است (دینرا^۱ و همکاران، ۱۹۹۹). تیم^۲ (۲۰۱۱) رضایت از زندگی را مفهومی می‌داند که از چگونگی درک شخص از کلیت زندگی شکل می‌گیرد. افرادی با رضایت بالا از زندگی هیجانات مثبت بیشتری را تجربه می‌کنند و رویدادهای مثبت بیشتری را از گذشته و آینده خود و دیگران به یاد می‌آورند و در کل ارزیابی مثبتی از پیرامون خود دارند و تصور آن‌ها از زندگی خوشایند است. رضایت از زندگی منعکس‌کننده توازن بین آرزوهای فرد و وضعیت فعلی اوست و به‌عنوان مؤلفه شناختی بهزیستی ذهنی در نظر گرفته می‌شود. پژوهش‌ها نشان داده‌اند عوامل بیرونی مانند محیط یا خانواده موجب رضایت از زندگی نمی‌شود، بلکه این مسئله به درون فرد و قضاوت خود او بستگی دارد. به همین دلیل است که افراد مختلف در موقعیت‌های مشابه به میزان یکسانی رضایت نشان نمی‌دهند (گیلیگان و هیوبنر^۳، ۲۰۰۲). یکی از عواملی که فرض شده است در این پژوهش بر رضایت از زندگی اثرگذار باشد نیازهای اساسی روان‌شناختی است که به‌صورت مدون در نظریه خود تعیین‌گری شرح داده شده است. نظریه "خودتعیین‌گری" توسط رایان و دسی^۴ پیشنهاد شد، طبق این نظریه فرد به‌عنوان یک موجود زنده دارای یک سری نیازهای اولیه بوده که این نیازها با توجه به محیط پیچیده‌تر می‌شوند. این نیازها عبارت‌اند از نیاز به "خودمختاری"، نیاز به "شایستگی" و نیاز به "ارتباط" (رایان و دسی، ۲۰۰۰). خودمختاری تمایل فرد برای پیگیری آزادانه فعالیت‌های خود و نقش خواست و اراده فرد در انجام کار اشاره می‌کند و عملکرد فرد تحت اراده و خواست خودش باشد. نیاز به شایستگی به معنای توانایی فرد برای انجام تکلیف است و اینکه فرد تا چه حد برای رسیدن به اهدافش توانایی

1. Diener
2. Thimm
3. Gilligan & Huebner
4. Ryan & Deci

دارد و در رسیدن به اهدافش احساس مفید بودن می‌کند و نیاز به ارتباط به معنای رابطه با کسانی است که برای فرد اهمیت دارند و یا از او حمایت می‌کنند و با آن‌ها احساس پیوستگی دارد (جنسون، وارن و یونگ^۱، ۲۰۱۳؛ به نقل از عرب زاده، ۱۳۹۶). ارضای این سه نیاز اساسی برای پیشرفت و ارتقای انسان ضروری است در مقابل هنگامی که فرد در رسیدن به این نیازها ناکام گردد ناسازگاری شکل می‌گیرد همان‌طور که علم آسیب‌شناسی روانی عنوان می‌کند (ونتکیست^۲ و رایان، ۲۰۱۳). ارضای نیازهای اساسی نقش کلیدی را در ارتباط رضایت شغلی و رضایت از زندگی ایفا می‌کند و خود نیز با رضایت شغلی و رضایت از زندگی به‌طور مستقیم ارتباط دارد (یونانو و همکاران^۳، ۲۰۱۷). هم‌چنین این ارتباط با بهزیستی روان‌شناختی نیز برقرار است (چانگ، هونگ و لین^۴، ۲۰۱۵). از طرفی ارضای این نیازها به افراد این اجازه را می‌دهد که رفتارهای خود را برگزینند تا بتوانند مسئولیت عملکرد خویش را بر عهده بگیرند، بر اساس اهداف برنامه‌ریزی شده عمل کنند و احساس تعلق به روابط اجتماعی تقویت‌کننده داشته باشند. این عوامل در نهایت سطح شادمانی و بهزیستی افراد را افزایش می‌دهد (دسی و رایان^۵، ۲۰۰۸).

هم‌چنین سرمایه روان‌شناختی به‌عنوان یکی از متغیرهای واسطه‌ای در این پژوهش در نظر گرفته شده است. سرمایه‌های روان‌شناختی شامل ویژگی‌هایی از جمله باور فرد به توانایی‌هایش برای دستیابی به موفقیت، استمرار داشتن در دنبال کردن هدف، اسناد مثبت درباره خود داشتن و هم‌چنین تحمل سختی‌ها و مشکلات است (لوتانز^۶ و همکاران، ۲۰۰۴). گلدستوم، وئوم و دارتی^۷ (۱۹۹۷) درباره این سازه روان‌شناختی اعلام می‌کنند که سرمایه روانی شامل دریافت‌های فرد از میزان هماهنگی بین هدف‌های معین و ترسیم شده با پیامدها عملکردی است که در فرایند ارزیابی‌های مستمر به دست می‌آید و به رضایت درونی و نسبتاً پایدار در توالی زندگی منتهی می‌شود. سرمایه‌های روان‌شناختی یک منبع یا عامل نهفته در برخی متغیرهای روان‌شناختی دیگر، از قبیل امیدواری، تاب‌آوری، خوش‌بینی و

-
1. Janssen, Vuuren & de Jong
 2. Vansteenkiste
 3. Unanue & et al
 4. Chang, Huang, & Lin
 5. Deci & Ryan
 6. Luthans
 7. Goldsmith, Veum & Darity

خودکارآمدی است که در هر یک از این متغیرها نیز نمایان است (اوی، پاترا و وست^۱، ۲۰۰۶). امید به عنوان ادراک فرد از توانایی‌هایش تعریف می‌شود که باعث ایجاد راهی به سوی هدف مشخص و سپس برانگیختن وی در استفاده از راه‌هایی چندگانه برای پیشرفت به سوی اهدافش است، خوش‌بینی سبک اسنادی مثبتی است که فرد در مورد توانایی خود در رسیدن به موفقیت در حال حاضر و آینده اتخاذ می‌دارد. خودکارآمدی یعنی اطمینان داشتن درباره تلاش‌های موردنیاز برای موفقیت در مورد تکلیف‌های چالش‌زا و تاب‌آوری به معنای مقاومت در برابر مشکلات و مصیبت‌ها برای رسیدن به موفقیت است.

در جهت تأثیر نیازهای اساسی روان‌شناختی بر سرمایه‌های روان‌شناختی، می‌توان به پژوهشی اشاره کرد که در آن عنوان شده است افرادی که برای انجام اعمال خود احساس خودمختاری می‌کنند، شایستگی (نیازهای اساسی روان‌شناختی) بیشتری نیز دارند و این احساس شایستگی، تاب‌آوری (سرمایه‌های روان‌شناختی) آن‌ها را بالا می‌برد (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۵). از طرفی ارضای نیازهای اساسی بر تاب‌آوری و خوش‌بینی (مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی) اثرگذار است ارضای نیاز به خودمختاری و ارضای نیاز به ارتباط خوش‌بینی را به صورت مثبت و معنی‌دار پیش‌بینی می‌کنند و همچنین ارضای نیاز به شایستگی و ارضای نیاز به ارتباط، تاب‌آوری را به صورت مثبت و معنی‌دار پیش‌بینی می‌کنند (امینی، زارع و علوی، ۱۳۹۵). در یک پژوهش تأثیر تقویت نقاط مثبت را از طریق ارضای سه نیاز اساسی روی مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی کارکنان سازمانی بررسی شد، نتایج حاکی از آن بود که ارضای نیاز شایستگی به عنوان واسطه بین تقویت نقاط مثبت و سرمایه روان‌شناختی عمل می‌کند (ورلیسر، لامبرچ و ون آکر^۲، ۲۰۱۵). در پژوهش قندی و قندی (۱۳۹۶) ارتباط نیازهای اساسی با تاب‌آوری بررسی شد نتایج نشان داد که نیازهای اساسی روان‌شناختی (خودمختاری، ارتباط، شایستگی) با تاب‌آوری تحصیلی رابطه مثبت و معنادار دارد. شایستگی بیشترین و خودمختاری کمترین ارتباط را با تاب‌آوری تحصیلی دارند. نیازهای شایستگی و خودمختاری تأثیر مستقیمی بر خودکارآمدی (سرمایه‌های روان‌شناختی) دانش‌آموزان دارند، بنابراین حمایت معلم از خودمختاری دانش‌آموزان باعث برآورده شدن نیازهای اساسی روان‌شناختی می‌گردد و در نتیجه افزایش خودکارآمدی آنان

1. Avey, Patera & West
2. Verleysen, Lambrechts & Van Acker

را موجب می‌شود (حجازی، خضری آذر و امانی، ۱۳۹۱). با توجه به تأثیر نیازهای اساسی روان‌شناختی بر سرمایه روان‌شناختی پیش‌بینی می‌شود سرمایه به‌عنوان متغیر واسطه‌ای بر رضایت از زندگی تأثیر بگذارد. بر اساس یافته‌های پژوهش جعفری و حسام‌پور (۱۳۹۵) بین سرمایه‌های روان‌شناختی و مؤلفه‌های آن (امید، خودکارآمدی، تاب‌آوری، خوش‌بینی) و رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین پژوهش‌های کارور، اشیر و سگستروم^۱ (۲۰۱۰) نشان داد سرمایه‌های روان‌شناختی و مؤلفه‌های آن با متغیرهای رفتاری، سلامتی و شناختی مثل رضایت، تعهد، بهزیستی و ... رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس مطالعه بهات^۲ (۲۰۱۷) بین سرمایه‌های روان‌شناختی و رضایت از زندگی ارتباط معناداری وجود دارد و این ارتباط از دو راه امید و خوش‌بینی اعمال می‌شود. خوش‌بینی با رضایت از زندگی بالاتر در ارتباط است و بدبینی با افسردگی و کج‌خلقی در ارتباط است. همچنین قاسمی (۱۳۹۵) نشان داد که رابطه معناداری بین سرمایه‌های روان‌شناختی و رضایت از زندگی وجود دارد و هر چه قدر افراد خود کارآمدتر باشند و یا امیدواری بیشتری در زندگی داشته باشند، انسان‌های مقاوم‌تری باشند و جهت‌گیری مثبت‌تری در زندگی داشته باشند، رضایت از زندگی بالاتری دارند.

متغیر واسطه‌ای دیگر این پژوهش انگیزش پیشرفت است. انگیزش تمایل به انجام کار یا حرکت به سمت کاربست رفتاری خاص است (گراهام^۳، ۲۰۰۴). وقتی فرد برای موفقیت انگیزه پیدا می‌کند، انتظار پیامدهای مثبت دارد و وقتی برای اجتناب از شکست با انگیزه می‌شود انتظار پیامدهای منفی دارد که این حالت‌ها را انگیزش پیشرفت می‌نامند (برانستاین و مایر^۴، ۲۰۰۵). این نوع انگیزش میل و تلاشی است که افراد برای رسیدن به هدفی مشخص و یا تسلط پیدا کردن روی امور یا افراد دارند. در این انگیزش هدف رسیدن به معیارهای متعالی و یا استانداردهای خاصی است. انگیزش پیشرفت می‌تواند گستره وسیعی از فعالیت‌های متفاوت را که در راستای هدف است در برگیرد (پارسا، ۱۳۷۶). انگیزش پیشرفت مبنای رسیدن به موفقیت و رسیدن به آرزوهای فرد است (لیبرمن و ری میدیوس^۵، ۲۰۰۷). هدف اولیه شناسایی آثار انگیزش جهت‌دهی افراد، توان و سماجی است که در

1. Carver, Scheier & Segerstrom
2. Bhat
3. Graham
4. Brunstein & Maier
5. Liebermanh & Remedios

یک رفتار مؤثر به کار می‌برند (اتکینسون^۱، ۱۹۶۴، به نقل از ایرز^۲، ۲۰۱۰). اتکینسون (۱۹۵۷) بیان می‌دارد که هر فردی با انگیزش معینی به دنیا می‌آید؛ در برخی افراد انگیزش هم‌راستا با موفقیت و در برخی هم سو با اجتناب از شکست عمل می‌کند. نظریه خود تعیین‌گری، نظریه‌ای است تجربی که بر پایه انگیزش، تحول و سلامتی انسان شکل گرفته است. این نظریه بر روی انواع انگیزش تمرکز دارد و توجه خاصی به انگیزش خودمختار، انگیزش کنترل‌شده و بی‌انگیزگی دارد و آن‌ها را پیش‌بین برای عملکرد، روابط و بهزیستی می‌داند و در این نظریه یافته‌ای مطرح شد که نیازهای اساسی روان‌شناختی (خودمختاری، شایستگی و ارتباط) بر نوع و قدرت انگیزش اثر می‌گذارند. نظریه خود تعیین‌گری بر مسائل اساسی مانند خودتنظیم‌گری، نیازهای روان‌شناختی جهانی، اهداف و آرزوهای زندگی، انرژی و سرزندگی، فرآیندهای ناهشیار، ارتباط فرهنگ با انگیزش و تأثیر محیط اجتماعی روی انگیزش، عاطفه، رفتار و بهزیستی تأکید می‌کند؛ بنابراین این نظریه طیف وسیعی از مسائل زندگی را پوشش می‌دهد. برخلاف دیدگاه‌های کهن و معاصر که انگیزش را عمدتاً به‌عنوان یک مفهوم واحد و کلی می‌دانند که باعث می‌شود انسان به رفتارها و اعمال خاصی بپردازد، نظریه خود تعیین‌گری به شیوه متفاوتی به انگیزش نگرست و بر این نظر تکیه دارد که نوع و کیفیت انگیزش بسیار پراهمیت‌تر از مقدار کلی آن برای پیش‌بینی پیامدهای مهم مانند سلامت و بهزیستی روان‌شناختی، عملکرد کارآمد، حل مسئله خلاقانه و یادگیری مفهومی و عمیق است (دسی و رایان، ۲۰۰۸). نظریه خود تعیین‌گری این نکته را روشن می‌کند که شایستگی و خودمختاری و ارتباط به‌عنوان نیازهای اساسی روان‌شناختی از رفتارهایی با انگیزه درونی حمایت می‌کند انگیزه درونی زمانی اتفاق می‌افتد که درگیر شدن در یک تکلیف یا رفتار خاص برای فرد لذت‌بخش و رضایت‌بخش باشد و همچنین چالش‌برانگیز باشد به‌طور کلی نیازهای اساسی روان‌شناختی در انگیزه درونی و به‌طور کلی بهزیستی دخیل است (آرنون، رینولدز و مارشال^۳، ۲۰۰۹). نیازهای دانش‌آموزان (شایستگی و ارتباط) ارتباط معنادار و مثبتی با انگیزه درونی آن‌ها دارد (دومنیک-بتورت و گومز-آرتیگا^۴، ۲۰۱۴). ارضای سه نیاز اساسی، انگیزشی با کیفیت بالا را موجب می‌گردد (ساریس و هنزه^۵،

1. Atkinson
2. Ayers
3. Arnone, Reynolds & Marshall
4. Doménech-Betoret & Gómez-Artiga
5. Šarić & Hanzec

۲۰۱۳). فرض بعدی تأثیر انگیزش پیشرفت بر رضایت از زندگی است و بر این مبنا به اعتقاد تاناکا و یاموچی^۱ (۲۰۰۱) دو تمایل متضاد با هم ترکیب می‌گردند تا تمایلی که معطوف به موفقیت است به دست آید. نیاز به پیشرفت زیاد با احساس رضایت و احساسات مثبتی که ناشی از تلاش هستند و موفقیت را پیش‌بینی می‌کنند، در ارتباط است؛ و زمانی که نیاز به پیشرفت در سطح پایینی باشد احساسات دفاعی و ترس از شکست که ناشی از پیش‌بینی عملکرد ضعیف است بر فرد مستولی می‌گردد (مکلند، ۱۹۵۳، به نقل از ردرا^۲، ۲۰۱۰). در مطالعات قدیمی‌تر جاکوب و گارناسیا^۳ (۱۹۹۷) ارتباط بین رضایت از زندگی و انگیزش هشیار و ناهشیار را بررسی کردند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که ارتباط مثبتی بین رضایت از زندگی و انگیزش هشیار وجود دارد. نیازهای اساسی روان‌شناختی با تأثیر بر سرمایه‌های روان‌شناختی نیز می‌تواند با رضایت از زندگی ارتباط داشته باشد؛ بنابراین هدف این پژوهش بررسی تأثیر نیازهای اساسی روان‌شناختی بر رضایت از زندگی است و همچنین نقش واسطه‌ای سرمایه‌های روان‌شناختی و انگیزش پیشرفت نیز بررسی می‌شود.

روش

مطالعه از نوع همبستگی و تحلیل مسیر است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دانشجویان دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۶ بودند که از بین آن‌ها ۲۰۳ نفر (۹۳ پسر و ۱۱۰ دختر) به‌عنوان نمونه و با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب‌شده و در پژوهش شرکت داده شدند. ابزار استفاده‌شده در این پژوهش شامل موارد زیر بود:

مقیاس برآورده شدن نیازهای اساسی روان‌شناختی (نسخه عمومی). این مقیاس توسط گانیه^۴ (۲۰۰۳) تدوین شده است و دارای ۲۱ ماده و سه خرده مقیاس است. خرده مقیاس‌ها برآورده شدن سه نیاز استقلال (۷ ماده) شایستگی (۶ ماده) و ارتباط داشتن (۸ ماده) را می‌سنجند. پاسخ‌ها با طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از ۱ (بسیار مخالفم) تا ۵ (بسیار موافقم) مشخص می‌شوند. وی^۵ و همکاران (۲۰۰۵) اعتبار نیاز به استقلال، شایستگی، ارتباط داشتن و نمره کل مقیاس را به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۷۵، ۰/۸۵، ۰/۹۰. گزارش کرده‌اند.

1. Tanaka & Yamauchi
2. Reeder
3. Jacob and Guarnaccia
4. Gagne
5. Wei

پرسشنامه سرمایه روان‌شناختی لوتانز (PCQ). برای سنجش سرمایه‌های روان‌شناختی از پرسشنامه سرمایه روان‌شناختی لوتانز و همکاران (۲۰۰۷) استفاده شد این پرسشنامه دارای ۲۴ سؤال و ۴ خرده مقیاس خودکارآمدی، تاب‌آوری، خوش‌بینی و امید است هم‌چنین آزمودنی به هر سؤال در مقیاس ۶ درجه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) پاسخ می‌دهد. سؤالات ۱ تا ۶ مربوط به خرده مقیاس خودکارآمدی، سؤالات ۷ تا ۱۲ مربوط به خرده مقیاس امید، ۱۳ تا ۱۸ خرده مقیاس تاب‌آوری و ۱۹ تا ۲۴ مربوط به خرده مقیاس خوش‌بینی است برای به دست آوردن نمره این پرسشنامه ابتدا نمره هر خرده مقیاس به صورت جداگانه به دست می‌آید و سپس جمع آن‌ها به عنوان نمره کلی سرمایه روان‌شناختی محسوب می‌شود. خسروشاهی میزان پایایی پرسشنامه بر اساس آلفای کرونباخ را ۰/۸۵ به دست آورد (خسروشاهی، هاشمی و بابا پور، ۱۳۹۱).

مقیاس رضایت از زندگی. این مقیاس پنج سؤالی توسط داینر و همکارانش (۱۹۸۵) جهت سنجش میزان رضایت کلی از زندگی تهیه شده است و به عنوان شاخص احساس شادمانی در پژوهش‌ها مورداستفاده قرار می‌گیرد (کارر، ۲۰۰۴). داینر و همکارانش روایی (به شیوه همگرا و افتراقی) و پایایی (آلفا کرونباخ-۰/۸۹). مطلوبی برای مقیاس گزارش نموده‌اند. در مقابل هر سؤال طیف لیکرت ۵ نمره‌ای از کاملاً موافقم (نمره ۱) تا کاملاً مخالفم (نمره ۵) در نظر گرفته شد. این مقیاس توسط خیر و سامانی (۱۳۸۳) برای استفاده در ایران مورد انطباق قرار گرفته است و شواهد روایی و پایایی آن را مطلوب گزارش نموده‌اند. سؤالات این مقیاس به گونه‌ای است که متناسب با زندگی نوجوانی و بزرگ‌سالی است. پرسش‌نامه انگیزش پیشرفت هرمنس. هرمنس این پرسش‌نامه را در سال ۱۹۷۰ ساخت و حاوی ۲۹ پرسش چهارگزینه‌ای است. نمره‌گذاری پرسشنامه با توجه به ویژگی‌های نه‌گانه که سؤالات بر اساس آن‌ها تدوین شده است، انجام می‌گیرد. بعضی از سؤالات به صورت مثبت و برخی دیگر به صورت منفی ارائه شده است. روایی این پرسشنامه در موارد متعدد تأیید شده است؛ چنانکه هرمنس برای محاسبه روایی از روایی یابی محتوا که اساس آن را پژوهش‌های قبلی درباره انگیزش پیشرفت تشکیل می‌داد، استفاده کرد. او ضریب همبستگی هر سؤال را با رفتارهای پیشرفت‌گرا محاسبه کرد. ضرایب سؤالات پرسش‌نامه به ترتیب از ۰/۳۰ تا ۰/۵۷ است. علاوه بر این هرمنس به وجود ضریب همبستگی بین این پرسشنامه و

آزمون اندریافت موضوع اشاره می‌کند. اسودی (۱۳۷۹)، با استفاده از دو روش آلفای کرونباخ و بازآزمایی، روایی آزمون را به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۸۲. محاسبه کرد.

یافته‌ها

در جدول (۱) و (۲) میانگین و انحراف استاندارد و همچنین ضریب پیرسون متغیرها ارائه شده است.

جدول ۱. یافته‌های توصیفی و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	M	SD	نیازهای روان‌شناختی	انگیزش پیشرفت	رضایت از زندگی
نیازهای روان‌شناختی	۹۸/۸۷	۱۸/۲۳	۱		
انگیزش پیشرفت	۸۴/۵۲	۸/۱۲	۰/۵۱**	۱	
رضایت از زندگی	۲۵/۱۵	۶/۶۳	۰/۵۹**	۰/۳۸**	۱

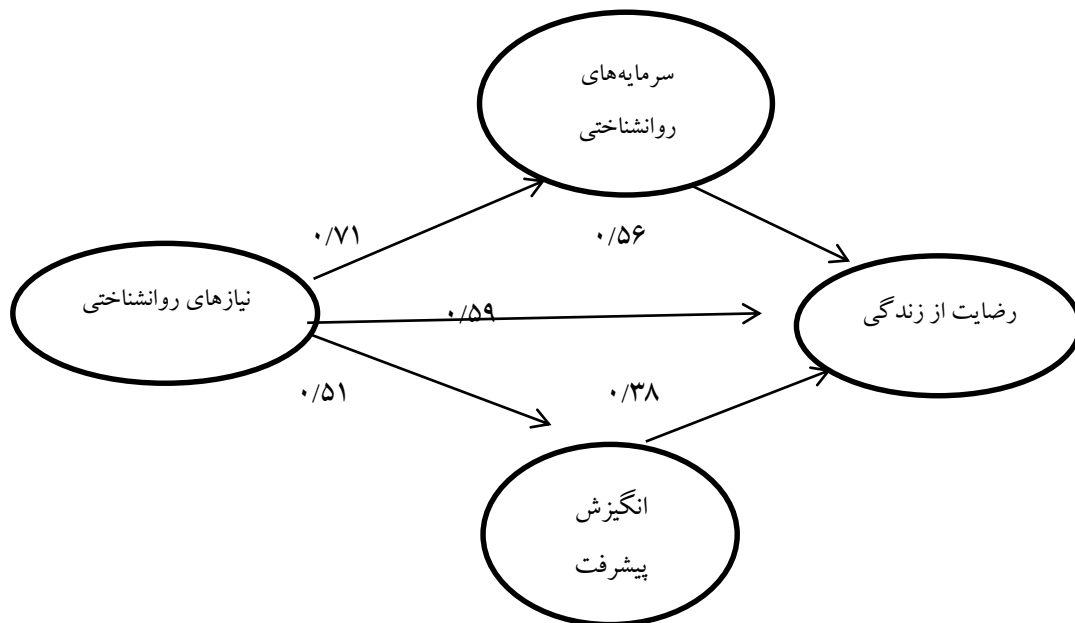
محاسبه ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش نشان داد که در سطح $\alpha=0,001$ رابطه نیازهای روان‌شناختی و رضایت از زندگی ($r=0,59$)، رابطه نیازهای روان‌شناختی و انگیزش پیشرفت ($r=0,51$)، رابطه بین انگیزش پیشرفت و رضایت از زندگی ($r=0,38$) مثبت است.

جدول ۲. یافته‌های توصیفی و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	M	SD	نیازهای روان‌شناختی	سرمایه‌های روان‌شناختی	رضایت از زندگی
نیازهای روان‌شناختی	۹۸/۸۷	۱۸/۲۳	۱		
سرمایه‌های روان‌شناختی	۹۷/۴۲	۱۶/۹۹	۰/۷۱**	۱	
رضایت از زندگی	۲۵/۱۵	۶/۶۳	۰/۵۹**	۰/۵۶**	۱

محاسبه ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش نشان داد که در سطح $\alpha=0,001$ رابطه نیازهای روان‌شناختی و رضایت از زندگی ($r=0,59$)، رابطه نیازهای روان‌شناختی و سرمایه‌های روان‌شناختی ($r=0,71$)، رابطه بین سرمایه‌های روان‌شناختی و رضایت از زندگی ($r=0,56$) مثبت است.

با توجه به جداول قبل و معناداری ضریب‌ها امکان تحلیل‌های بعدی فراهم می‌شود. مدل ارائه‌شده در این پژوهش به در شکل (۱) آورده شده است.



شکل ۱. مدل ارائه‌شده در این پژوهش

برای ارزیابی معنی‌داری اثرات واسطه‌ای از آزمون بوت استراپ استفاده شد. در این روش معنی‌داری زمانی اتفاق می‌افتد که حدود بوت استراپ هم علامت باشند؛ یعنی یا هر دوی آن‌ها مثبت و یا هر دوی آن‌ها منفی باشند و در این صورت اثر واسطه‌ای بررسی شده معنی‌دار خواهد بود. نتایج مربوط به این آزمون در جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون بوت استراپ برای اثرات واسطه‌ای

متغیر	متغیر	متغیر	حدود بوت	است راپ	خطای	اندازه اثر	سطح
مستقل	واسط	وابسته	حد بالا	حد پایین	برآورد	معناداری	
نیازهای روان‌شناختی	انگیزش پیشرفت	رضایت از زندگی	۰/۲۷۸	۰/۰۶۹	۰/۰۱	۰/۱۷	۰/۰۰۵

نیازهای روان‌شناختی	سرمایه‌های روان‌شناختی	رضایت از زندگی	۰/۳۲۱	۰/۱۰۱	۰/۰۱	۰/۲۱	۰/۰۰۵
---------------------	------------------------	----------------	-------	-------	------	------	-------

طبق نتایج به دست آمده از آزمون بوت استراپ و هم علامتی حدود بالا و پایین هر دو مسیر معنادار بوده و متغیرهای پژوهش نقش واسطه‌ای را در هر دو مسیر ایفا می‌کنند. نتایج در سطح ۰/۰۰۵ معنادار بوده و فرضیه‌ها تأیید می‌شوند و پارامترهای انگیزش پیشرفت و سرمایه‌های روان‌شناختی در رابطه بین نیازهای روان‌شناختی و رضایت از زندگی نقش واسطه‌ای ایفا می‌کنند. این نقش تقریباً در هر دو پارامتر به یک میزان بوده؛ ولی سرمایه‌های روان‌شناختی به میزان کمتری نقش واسطه‌ای مهم‌تری را ایفا می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش بر اساس جدول (۱) حاکی از این است که نیازهای اساسی روان‌شناختی به‌طور مستقیم بر رضایت از زندگی اثرگذار است هم‌چنین این تأثیر با واسطه متغیرهای سرمایه روان‌شناختی و انگیزش پیشرفت به صورت غیرمستقیم نیز حاکم بود (جدول ۳). به عبارتی دیگر نیازهای اساسی روان‌شناختی با تأثیر بر سرمایه روان‌شناختی و انگیزش پیشرفت تأثیر خود را بر رضایت از زندگی می‌گذارد. در زمینه تأثیر مستقیم نیازهای اساسی روان‌شناختی بر رضایت از زندگی نتایج این پژوهش با یافته‌های خارجی سانگ^۱ و همکاران (۲۰۱۴)؛ چانگ، هونگ و لین^۲، و با یافته‌های داخلی حجازی، صالح نجفی و امانی (۱۳۹۳)، عرب‌زاده (۱۳۹۶) همسو است. چانگ، هونگ و لین (۲۰۱۴) در مطالعه خود نیازهای اساسی روان‌شناختی را مکانیسمی کلیدی می‌دانند که رضایت از زندگی را به همراه دارد.

سانگ و همکاران (۲۰۱۴) در این راستا نشان دادند که کاهش ارضای نیازهای روان‌شناختی کاهش رضایت از زندگی را در بردارد و این رابطه به شکل معکوس نیز برقرار است و هم‌چنین نیازهای روان‌شناختی از طریق متغیرهای دیگری از جمله قدردانی^۳ نیز بر رضایت از زندگی تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین نیازهای اساسی روان‌شناختی بر شادمانی، بهزیستی، بهزیستی ذهنی و سرزندگی ذهنی که در نهایت رضایت از زندگی را موجب

1. Tsang
2. Chang, Huang & Lin
3. gratitude

می‌شود، اثربخش است و می‌توان گفت نتایج قابلیت تبیین دارد. هم‌چنین یافته‌های جدول (۱) نشان‌دهنده نقش واسطه‌ای سرمایه روان‌شناختی است بدین‌صورت که نیازهای اساسی روان‌شناختی با تأثیر بر سرمایه روان‌شناختی رضایت از زندگی را موجب می‌گردد و مؤلفه‌های نیازهای اساسی روان‌شناختی بر تک‌تک مؤلفه‌های سرمایه‌های روان‌شناختی تأثیر خود را اعمال می‌کند، در همین راستا پژوهش‌هایی مبتنی بر ارتباط مؤلفه‌های دو متغیر وجود دارد، به‌عنوان مثال ارضای نیازهای اساسی، تاب‌آوری از مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی را بالا می‌برد (میرزایی، کیامنش، حجازی و بنی‌جمالی، ۱۳۹۵؛ قندی و قندی، ۱۳۹۶) و هم‌چنین ارضای این نیازها خوش‌بینی (سرمایه روان‌شناختی) افراد را پیش‌بینی خواهد کرد (امینی، زارع و علوی، ۱۳۹۵) حمایت معلم از خودمختاری (نیازهای اساسی) دانش‌آموز موجب افزایش خودکارآمدی (سرمایه‌های روان‌شناختی) می‌گردد (حجازی، خضری‌آذر و امانی، ۱۳۹۱). سرمایه‌های روان‌شناختی به‌طور مستقیم رضایت از زندگی را موجب می‌شود و بر طبق پژوهش‌های کارور، اشیرو سگرستروم (۲۰۱۰)؛ قاسمی (۱۳۹۵)؛ جعفری و حسام‌پور (۱۳۹۵)؛ بهات (۲۰۱۷)، سرمایه روان‌شناختی رضایت از زندگی را بالا می‌برد؛ بدین‌صورت که سرمایه‌های روان‌شناختی و مؤلفه‌های آن (امید، خودکارآمدی، تاب‌آوری و خوش‌بینی) با رضایت از زندگی ارتباطی معنادار دارند (جدول ۲).

پژوهش دیگری نیز نشان داد که سرمایه‌های روان‌شناختی و رضایت از زندگی رابطه معناداری دارند، رضایت از کلیت زندگی به معنای رضایت از جنبه‌های گوناگون زندگی از جمله جنبه‌های شغلی، تحصیلی، خانوادگی و زندگی زناشویی است که سرمایه‌های روان‌شناختی به افزایش رضایت زندگی در جنبه‌های کلی و جزئی کمک می‌کند (یوکول-گانیرون^۱، ۲۰۱۲)؛ بنابراین نیازهای اساسی روان‌شناختی علاوه بر رابطه مستقیم با رضایت از زندگی، از طریق سرمایه‌های روان‌شناختی اثر خود را بر روی رضایت از زندگی اعمال می‌کند. متغیر واسطه‌ای دیگر در این پژوهش انگیزش پیشرفت بود، نیازهای اساسی روان‌شناختی هم‌چنین از طریق ارتباط با انگیزش پیشرفت تأثیر خود را بر رضایت از زندگی اعمال کرد (جدول ۱). بر این اساس نیازهای اساسی روان‌شناختی (خودمختاری، شایستگی و ارتباط) با مفهوم انگیزش به‌طور کلی ارتباط دارد و بر نوع و قدرت انگیزش از جمله انگیزش خودمختار، انگیزش کنترل‌شده و بی‌انگیزگی اثر می‌گذارد، ارضای نیازهای اساسی

1. Ucol-Ganiron

روان‌شناختی فرد را توانمند می‌سازد و فرد در فعالیت‌های گوناگون زندگی با پشتکار و هدفمند عمل خواهد کرد و به‌طور کلی انگیزش پیشرفت یکی از پیامدهای ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی است (دسی و رایان، ۲۰۰۸). علاوه بر تأثیر بر انگیزش به‌طور کلی بر انگیزش پیشرفت به‌طور خاص نیز اثرگذار است بین نیازهای اساسی روان‌شناختی و انگیزش پیشرفت ارتباط معناداری وجود دارد و از مؤلفه‌های نیازهای اساسی ارتباط و شایستگی قدرت پیش‌بینی بیشتری را نسبت به خودمختاری دارند (خداوردی سرایدار و شهیاد، ۱۳۹۴). نتایج پژوهش حاضر نیز بر تأثیر نیازهای اساسی روان‌شناختی بر انگیزش پیشرفت صحت گذاشت. با توجه به این تأثیر، انگیزش پیشرفت به‌عنوان متغیر واسطه‌ای بر رضایت از زندگی تأثیر خود را اعمال کرد و نتایج این پژوهش با یافته‌های گو^۱ (۲۰۱۸)؛ مافینی و لودو^۲ (۲۰۱۴)؛ جاکوب و گارناسیا^۳ (۱۹۹۷) هم‌راستا بود بر طبق پژوهش مافینی و لودو، رابطه معناداری بین عوامل انگیزشی و رضایت شغلی وجود دارد و از آنجایی که بین رضایت شغلی و رضایت از زندگی ارتباط مستقیمی برقرار است، می‌توان گفت انگیزش پیشرفت و رضایت از زندگی با هم ارتباط مستقیمی دارند؛ بنابراین نیازهای اساسی روان‌شناختی به‌واسطه انگیزش و به‌خصوص انگیزش پیشرفت بر رضایت از زندگی اثرگذار است.

در انتها می‌توان بیان داشت که یکی از عوامل مؤثر بر رضایت از زندگی، نیازهای اساسی روان‌شناختی است و این تأثیر علاوه بر مستقیم به شکل غیرمستقیم نیز می‌تواند اعمال شود و در پژوهش حاضر متغیرهای واسطه‌ای سرمایه‌های روان‌شناختی و انگیزش پیشرفت در این تأثیر غیرمستقیم دخیل بودند بدین صورت که نیازهای اساسی روان‌شناختی به‌وسیله سرمایه روان‌شناختی بر رضایت از زندگی تأثیرگذار بود و هم‌چنین از طریق انگیزش پیشرفت نیز بر رضایت از زندگی تأثیر گذاشت و نیازهای اساسی با نقش واسطه‌ای سرمایه روان‌شناختی و انگیزش پیشرفت اثر خود را بر رضایت از زندگی اعمال نمود؛ بنابراین متغیرهایی که در این پژوهش استفاده شد که از جمله متغیرهای روان‌شناسی مثبت هستند، بر یکدیگر به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم اثر می‌گذارند و از نقش تک‌تک این متغیرها و مؤلفه‌هایشان نباید غافل شد و از یک متغیر برای بهبود و بالا بردن متغیر مثبت دیگر می‌توان استفاده کرد و در پژوهش‌های آتی بهتر است رابطه متغیرهای دیگری نیز بررسی شود و امکان مقایسه با

1. Guo
2. Mafini & Dlodlo
3. Jacob & Guarnaccia

یافته‌های پژوهش حاضر برقرار گردد. همانند هر پژوهشی این پژوهش با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به طرح پژوهش که از نوع همبستگی بود اشاره کرد محدودیت طرح پژوهشی همبستگی عدم نتیجه‌گیری علی در مورد متغیرهاست و همچنین نمونه مورد بررسی در این پژوهش نمونه دانشجویان بودند که معرف سایر گروه‌های اجتماعی نیست و بهتر است در پژوهش‌های آتی از سایر نمونه‌های جامعه نیز استفاده شود و بهتر است نمونه‌هایی از سایر مناطق جغرافیایی جمع‌آوری گردد و بررسی انجام گیرد تا امکان تعمیم نتایج با اطمینان بیشتری فراهم شود.

منابع

- اقدامی، زهرا و یوسفی، فریده. (۱۳۹۷). رابطه بین نیازهای اساسی روان‌شناختی و درگیری تحصیلی با واسطه‌گری خودکارآمدی. *مطالعات روانشناسی تربیتی*، ۱۵(۲۹).
- امینی، جوان؛ زارع، مریم، علوی، سیدکاظم. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین نیازهای روان‌شناختی با تاب‌آوری و خوش‌بینی در گروهی از بیماران مولتیپل اسکلروزیس. *اولین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم-اجتماعی*.
- بهادری خسروشاهی، جعفر؛ هاشمی نصرت‌آباد، تورج و بابا پور خیرالدین، جلیل. (۱۳۹۳). رابطه سرمایه اجتماعی با بهزیستی روان‌شناختی در دانشجویان دانشگاه تبریز. *شناخت اجتماعی*. ۶(۳)، ۴۴-۵۴.
- جعفری، اصغر و حسام پور، فاطمه. (۱۳۹۶). پیش‌بینی رضایت از زندگی بر اساس ابعاد هوش معنوی و سرمایه روان‌شناختی در سالمندان. *مطالعات سالمندی*. ۱(۱۲).
- حجازی، الهه؛ صالح نجفی، مهسا و امانی، جواد. (۱۳۹۳). نقش واسطه‌ای انگیزش درونی در رابطه بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی و رضایت از زندگی. *روانشناسی معاصر*. ۹(۲)، ۷۷-۸۸.
- خداوردی سرایدار، آزاده و سعید، شهیاد. (۱۳۹۴). نقش نیازهای اساسی روان‌شناختی در انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان، اولین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم تربیتی، شیراز، موسسه عالی علوم و فناوری حکیم عرفی شیراز.

- خیر، محمد و سامانی، سیامک. (۱۳۸۳). مقایسه سلامت روانی-اجتماعی، بهداشت روانی، رضایت از زندگی و همکاری در بین مادران شاغل و خانه‌دار در شهر شیراز. گزارش طرح پژوهشی. کارگروه پژوهش آمار و فناوری اطلاعات استان فارس.
- شراره، میرزایی؛ کیامنش، علیرضا؛ حجازی، الهه و بنی جمالی، شکوه السادات. (۱۳۹۵). تأثیر ادراک شایستگی بر تاب‌آوری تحصیلی با میانجی‌گری انگیزش خودمختار. *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*. ۲۵(۷)، ۶۷-۸۲.
- عرب، نگار؛ رضائی باد افشانی، فاطمه و رحیمی، مجتبی. (۱۳۹۴). نقش میانجی‌گری کیفیت زندگی کاری بین سرمایه روان‌شناختی و رضایت از زندگی. *فصلنامه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت*. ۳(۱)، ۴۹-۵۸.
- عرب‌زاده، مهدی. (۱۳۹۵). رابطه نیازهای اساسی روان‌شناختی با سرزندگی ذهنی در سالمندان. *مجله مطالعات سالمندی*. ۲(۱۲).
- قاسمی، مریم. (۱۳۹۵). رابطه مؤلفه‌های سرمایه‌های روان‌شناختی با رضایت از زندگی و رضایت زناشویی در همسران ایثارگران. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*. ۳۸، ۱۴۰-۱۱۹.
- قندی، ناهید و قندی، پرستو. (۱۳۹۶). پیش‌بینی تاب‌آوری تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس نیازهای اساسی روان‌شناختی. *چهارمین-کنفرانس بین‌المللی نوآوری‌های اخیر در روانشناسی، مشاوره و علوم رفتاری*.
- Arnone, M. P., Reynolds, R., & Marshall, T. (2009). The effect of early adolescents' psychological needs satisfaction upon their perceived competence in information skills and intrinsic motivation for research. *School Libraries Worldwide*, 15(2), 115-134.
- Ayers, S. C. (2010). *Achievement motivation and stress inoculation training: Coping through college*. Saint Louis University.
- Bhat, S. A. Psychological capital as related to life satisfaction among sports coaches.
- Brantley, A., Huebner, E. S., & Nagle, R. J. (2002). Multidimensional life satisfaction reports of adolescents with mild mental disabilities. *Mental Retardation*, 40(4), 321-329.
- Brunstein, J. C., & Maier, G. W. (2005). Implicit and self-attributed motives to achieve: Two separate but interacting needs. *Journal of personality and social psychology*, 89(2), 205.
- Carver, C. S., Scheier, M. F., & Segerstrom, S. C. (2010). Optimism. *Clinical Psychological Review*, 30.

- Chang, J. H., Huang, C. L., & Lin, Y. C. (2015). Mindfulness, basic psychological needs fulfillment, and well-being. *Journal of Happiness Studies*, 16(5), 1149-1162.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2008). Self-determination theory: A macrotheory of human motivation, development, and health. *Canadian psychology/Psychologie canadienne*, 49(3), 182.
- Diener, E., Suh, E. M., Lucas, R. E., & Smith, H. L. (1999). Subjective well-being: Three decades of progress. *Psychological bulletin*, 125(2), 276.
- Doménech-Betoret, F., & Gómez-Artiga, A. (2014). The relationship among students' and teachers' thinking styles, psychological needs and motivation. *Learning and Individual Differences*, 29, 89-97.
- Goldsmith, A. H., Veum, J. R., & Darity Jr, W. (1997). The impact of psychological and human capital on wages. *Economic inquiry*, 35(4), 815-829.
- Guo, Y. (2018). The Influence of Academic Autonomous Motivation on Learning Engagement and Life Satisfaction in Adolescents: The Mediating Role of Basic Psychological Needs Satisfaction. *Journal of Education and Learning*, 7(4), 254-261.
- Jacob, M., & Guarnaccia, V. (1997). Motivational and behavioral correlates of life satisfaction in an elderly sample. *Psychological reports*, 80(3), 811-818.
- Lieberman, D. A., & Remedios, R. (2007). Do undergraduates' motives for studying change as they progress through their degrees?. *British Journal of Educational Psychology*, 77(2), 379-395.
- Luthans, F., Avey, J. B., Avolio, B. J., Norman, S. M., & Combs, G. M. (2006). Psychological capital development: toward a micro-intervention. *Journal of Organizational Behavior: The International Journal of Industrial, Occupational and Organizational Psychology and Behavior*, 27(3), 387-393.
- Luthans, F., Youssef, C. M., & Avolio, B. J. (2007). Psychological capital: Developing the human competitive edge.
- Mafini, C., & Dlodlo, N. (2014). The relationship between extrinsic motivation, job satisfaction and life satisfaction amongst employees in a public organisation. *SA Journal of Industrial Psychology*, 40(1), 01-12.
- Pavot, W., & Diener, E. (2008). The satisfaction with life scale and the emerging construct of life satisfaction. *The Journal of Positive Psychology*, 3(2), 137-152.
- Reeder, M. C. (2010). *The Role of Trait Achievement Motivation and Ability in Predicting Academic Performance Trajectories*. Michigan State University. Psychology.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2000). Self-determination theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being. *American psychologist*, 55(1), 68.
- Šarić, M., & Hanzec, I. (2013, January). The Role Of Basic Psychological Needs And Intrinsic Motivation In Explaining Students' goal Orientation. In *1st International Conference on Research and Education: Challenges Towards the Future (ICRAE 2013)*.

- Tanaka, A., & Yamauchi, H. (2001). A model for achievement motives, goal orientations, intrinsic interest, and academic achievement. *Psychological Reports*, 88(1), 123-135.
- Thimm, J. C. (2010). Personality and early maladaptive schemas: A five-factor model perspective. *Journal of behavior therapy and experimental psychiatry*, 41(4), 373-380.
- Tsang, J. A., Carpenter, T. P., Roberts, J. A., Frisch, M. B., & Carlisle, R. D. (2014). Why are materialists less happy? The role of gratitude and need satisfaction in the relationship between materialism and life satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 64, 62-66.
- Ucol-Ganiron Jr, T. (2012). The additive value of psychological capital in predicting structural project success and life satisfaction of structural engineers. *International Journal of Social Science and Humanity*, 2(4), 291.
- Unanue, W., Gómez, M. E., Cortez, D., Oyanedel, J. C., & Mendiburo-Seguel, A. (2017). Revisiting the link between job satisfaction and life satisfaction: the role of basic psychological needs. *Frontiers in psychology*, 8, 680.
- Vansteenkiste, M., & Ryan, R. M. (2013). On psychological growth and vulnerability: Basic psychological need satisfaction and need frustration as a unifying principle. *Journal of psychotherapy integration*, 23(3), 263.
- Verleynsen, B., Lambrechts, F., & Van Acker, F. (2015). Building psychological capital with appreciative inquiry: Investigating the mediating role of basic psychological need satisfaction. *The Journal of Applied Behavioral Science*, 51(1), 10-35.